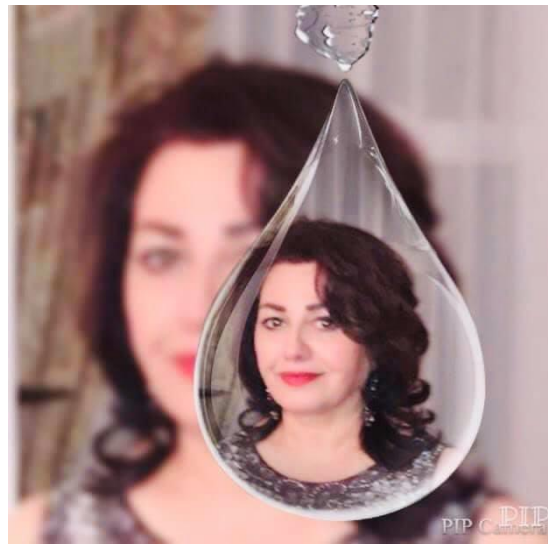




دوشنبه ۲۳ آگست ۲۰۲۱

لیلا تیموری

از قدیم گفته اند "علاج واقعه قبل از وقوع"



دو چکیده ای از خانم لیلی تیموری وحیدی، شاعره معاصر افغان مقیم ایالت ورجنیای شمالی، از صفحه فیس بوک ایشان

گاهی بود که پاکستان برای ما حزب و تنظیم و رهبر و قوماندان می ساخت و یک عده مکتب دیده ها و اشخاص سر شناس دستبوسی و ریش بوسی پیشه کرده بودند و خم به ابرو نمی آوردند! منتظر فرصت و رسیدن به مقام و دولت و شان و فر بودند !!  
نگویید که چنین نبود، من شاهد عینی در پاکستان بودم و این اشخاص دلیل را می شناسم!

پاکستان طالب تربیه کرد تنظیم ها یتیمان و کودکان بینوا را به کار خانه های طالب سازی سپردند زنان بیوه را به عرب ها فروختند، اعضای بدن افغان را هم فروختند باز هم گروه فرصت طلب خود را به کوچه حسن چپ زدند، حتی از دستبوسی طالب نیز صرف نظر نکردند !!!  
مرحله آمدن عساکر امریکا و قوای ناتو به اصطلاح برای بهبود وضع افغانستان آغاز شد و عجب تماشایی داشتند افغان های ما به ویژه در خارج از وطن.

فرصت طلبان چه در داخل کشور و چه در خارج کشور دیدند سیل دالر بسوی وطن روان است سر ها نزدیک بود بترکد، ما دیدیم که قصر ها اینسو و آنسو به ویژه در دوبي از همین دریای پول آباد شد و خانه افغان بینوا باز هم ویران گردید!

در تمام این دوره ها از کودتای پر جفای هفت ثور تا امروز، پاکستان در قدم اول و ایران زیر عمامه اخوندي افغانستان و ملت ما را تار تباہ نمودند و فرصت طلبان ذلیل با دشمنان منفعت جو و همسایه های جفاکار و دزد، همدست و یار گشتند و تا این دم به تکرار شاهد ستم خویش بر خویشتن هستیم و دست اتحاد را با ساطور قوم و زبان و دین و مذهب می شکنیم !!!  
حالا کارد دشمن به استخوان این سر زمین رسیده است.

نا خلفان قدرت طلب این درد را احساس نمی کنند !!!

نا خلفی رفت

نا خلفی آمد

و نا خلفی هنوز در راه است!!!

مگر مرد راستین و آزاده ی در این میان وجود دارد تا مردم به او اعتبار کنند ؟!!!  
رهبری که از قلب مردم بر خاسته باشد هنوز به میدان نیامده تا تمام مردم بدون تبعیض و تفوق طلبی به دورش جمع شوند و مشتکی شوند به دهان دشمنان!  
هنوز مردم مرده پرست اند و عکس جفا پیشه گان این چهار دهه خونین را بر دوش های شکسته ایشان دازند!

اما آنکه تار و تباہ شده می رود مردم گمنام و بینوای ماست!!!

افسوس صد افسوس!

لیلا تیموری،

نوت: منظور از ناخلفی هنوز در راه است، طالبان است چون اثر قبلاً تحریر گردیده.

---

## اگر و مگر

وطنم چه بینوا شد، اگر و مگر ندارد  
نه ز غیر و نی ز ما شد، اگر و مگر ندارد  
به قبیله و نژادش، به زبان و اصل و زادش  
من و ما چه خود نما شد، اگر و مگر ندارد  
به زنان و کودکانش، به غرور مردمانش  
چه ستم چه نا روا شد، اگر و مگر ندارد  
به نظام و دولت او، به شکوه و عزت او  
دو هزار و یک جفا شد، اگر و مگر ندارد  
به غنایم سترگش، به معادن بزرگش  
چه چپاول و خطا شد، اگر و مگر ندارد  
چه بگویمت عزیزا، که ز شش جهت بهر سو  
سر ما چه ماجرا شد، اگر و مگر ندارد  
به سلاح دین و باور، به رسوم جهل گستر  
سر ما ز تن جدا شد، اگر و مگر ندارد  
بنشین که با تو گویم، غم دل نهفته ی خود  
ره ما ز هم جدا شد، اگر و مگر ندارد  
به میسر سنگ و شیشه، بنویسم این سخن را  
هله بیخدا خدا شد، اگر و مگر ندارد  
ز دمی که طفل میهن، بمکیده سینه ی جنگ  
اگر از پی ریا شد، اگر و مگر ندارد  
بتو گویم ای برادر، که مشو تو پیرو خر  
که غلام خر ملا، شد اگر و مگر ندارد  
ز شرار انتحاری، ز جفای انفجاری  
وطن اتشین سرا شد، اگر و مگر ندارد  
دگر این شکسته قایق، نرسد بساحل ای جان

گر و کور کد خدا شد، اگر و مگر ندارد  
به حریم باور ما، نرسیده در شکستند  
در ما در بلا شد، اگر و مگر ندارد  
اگر از تبار مجنون نشوی، میا بسویم  
نشوی عزیز لیلا، اگر و مگر ندارد